

فرآیند مدیریت توسعه

Management & Development Process

چکیده

در پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیلی تلاش شده است با شناخت رابطه عوامل و سازوکارهای مؤثر بر جذب مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت سوانح طبیعی و به منظور کاهش خطر آنها، راهکارهایی به منظور جذب مشارکت و همکاری هدفمند مردم در مراحل مختلف مدیریت سوانح طبیعی بیان شود. پژوهش حاضر، با روش پیمایش انجام شده است و از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری نیز ۴۰۰ نفر از مردم شهر اسلام‌شهر از توابع استان تهران است. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رابطه آماری معنی‌داری را میان متغیرهای مستقل یعنی میزان همدلی اجتماعی، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد، کنش عقلایی، میزان آگاهی فرد از وقوع حادثه و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی نشان داده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر نیز نشان داده است که مجموعه متغیرهای میزان همدلی اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، کنش عقلایی، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و میزان آگاهی و اطلاع وی از احتمال وقوع حادثه، تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی داشته‌اند. در مجموع، با توجه به یافته‌های پژوهش، آموزش همگانی در همه سطوح جامعه و همه مراحل مدیریت بحران شامل آمادگی، کاهش خطر، مقابله و بازسازی و نیز ایجاد گروه‌های سازمان‌یافته و متشکل در قالب سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های کوچک محلی، بسیج و سازمان‌های خیریه و تشکیل و ایجاد گروه‌هایی با عنوان مدیریت بحران محله، می‌تواند موجب بالفعل کردن انگیزه‌ها و توانایی‌های مردم و افزایش همدلی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت مردم در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی گردد.

کلیدواژه‌ها: مشارکت مردمی، سوانح طبیعی، همدلی اجتماعی، کنش عقلانی، آموزش همگانی

تعیین مدل ساختاری مشارکت مردمی در کاهش خطر سوانح طبیعی

رضا ویسی
امراه کشاورز

دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۲۸

پذیرش: ۱۳۹۰/۰۴/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۲ روز نزد پدیدآوران بوده است

تبیین مدل ساختاری مشارکت مردمی در کاهش خطر سوانح طبیعی

رضا ویسی^۱
امراله کشاورز^۲

مقدمه

بر اساس گزارش‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی، ایران به دلیل شرایط خاص طبیعی و جغرافیایی، جزء چند کشور اول بلاخیز جهان است. همچنین با توجه به زلزله‌هایی که در کشور ما رخ می‌دهد، مباحث مربوط به مدیریت سوانح طبیعی، مورد توجه و اهمیت بوده و ضرورت توجه به مشارکت مردم، در اولویت قرار گرفته است (ظفری، ۱۳۸۶: ۳۵). به منظور اجرای برنامه‌های کاهش خطرهای سوانح طبیعی، استفاده از مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت سانحه ضرورت دارد. بنابراین، آگاهی درباره این موضوع که مردم چگونه می‌توانند در مراحل مدیریت یک سانحه طبیعی، همکاری و تعامل داشته باشند، در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های فوری و آتی، از اهمیت فراوانی برخوردار است (ویسی، ۱۳۸۵: ۲۵).

۱. کارشناس ارشد مطالعات توسعه و کارشناس دفتر تلفیق برنامه، آمایش و توسعه منطقه‌ای معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور:

r_veicy@yahoo.com

۲. مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور:

keshavarz123@yahoo.com

واژه‌های "مشارکت" و "مشارکتی" به معنای کنونی، برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ در ادبیات توسعه بیان شده است. دلیل رواج این واژه، شکست طرح‌های توسعه بود که دلیل آن را عدم حضور و مشارکت مردم در فرایند طراحی

و اجرای طرح‌های مذکور دانستند. از این رو، توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، مفهومی مهم محسوب شد و به طور گسترده در ادبیات توسعه مطرح گردید. تعاریف متعددی درباره مشارکت، بیان شده است. مشارکت به معنای عام، فعالیت‌های ارادی داوطلبانه اعضای یک جامعه در امور محله و منطقه خود است. به بیان کامل‌تر، مشارکت، حضور و دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه اقدار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، فعالیت‌های انجمن‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای و محلی یا منطقه خود و نیز حضور و همکاری در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه کلی است (اوکلی، ۱۳۸۰: ۲۵).

بانک جهانی نیز، مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند: فرایندی که از طریق آن، بهره‌برداران بر فعالیت‌های توسعه، تصمیم‌ها و منابعی که بر آنها تأثیر می‌گذارد، تأثیر گذارند و در کنترل آنها سهم شونند (بانک جهانی به نقل از زاهدی‌اصل، ۱۳۷۹: ۱۸).

به اعتقاد رابرت چمبرز، از مفهوم مشارکت در سه زمینه استفاده می‌شود: ۱) استفاده تزئینی: تا هر نوع پیشنهادی را خوب جلوه دهند، ۲) استفاده ابزاری: به این معنا که از طریق بسیج نیروی کار محلی، هزینه‌ها را کاهش دهند، ۳) استفاده واقعی: زمانی است که به مردم اختیار داده می‌شود تا با فعالیت خود، کنترل امور را به دست گیرند و با اعتماد به نفس بیشتر، تصمیم بگیرند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۳۵).

بنابراین، توجه به مشارکت مردم (در سطوح مختلف)، در مراحل آمادگی و پیشگیری و نیز رفع سوانح احتمالی ضروری است. با توجه به نوع حادثه، مکان، دامنه، وسعت و به طور کلی شرایط رخداد آن، نیاز به مشارکت افراد، نیروها و منابع بومی، متغیر است. در چنین وضعیتی، مؤثرترین عامل، تجهیز منابع انسانی و محلی است. در واقع، بهترین راه، استفاده مناسب از نیروها و ساکنان بومی برای مدیریت بهتر و سریع‌تر فاجعه یا سوانح است (زاهدی‌اصل، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱). در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود علاوه بر بررسی عوامل اصلی مؤثر بر مشارکت مردم، زمینه‌ها، شرایط و راهکارهای حضور و مشارکت داوطلبانه و عمومی مردم در تمایل به کاهش خطر حوادث طبیعی (با تأکید بر زلزله) در شهر اسلام‌شهر مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش پیمایش انجام شده است و از نوع پژوهش‌های همبستگی است. زیرا در آن، رابطه بین مجموعه‌ای از متغیرهای مؤثر بر جذب مشارکت مردم، به منظور کاهش خطر سوانح طبیعی بررسی می‌شود. جامعه مورد بررسی در شهر اسلام‌شهر، افراد (مرد و زن) در گروه سنی ۶۴-۲۰ سال (۶۴۵۰۰۰ نفر) هستند. بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه در میان مردم شهر اسلام‌شهر به منظور تکمیل پرسشنامه، ۴۰۰ نفر تعیین شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری مطبق، (نمونه‌گیری بر حسب مناطق شهرداری و بلوک‌های موجود در هر منطقه)، برخی از خانوارهای ساکن در مناطق چندگانه شهر اسلام‌شهر، به طور تصادفی ساده برای تکمیل پرسشنامه پژوهش انتخاب شدند.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از روش اعتبار صوری و آرای صاحب‌نظران و پژوهشگران درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی مدیریت بحران و سوانح طبیعی استفاده شده است. پس از تأیید پرسشنامه توسط متخصصان مذکور، پرسشنامه‌ها در میان نمونه آماری پژوهش توزیع شده‌اند. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا یک گروه ۲۵ نفری، پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. سپس با محاسبه آلفای کرونباخ، ضریب همسانی درونی گویه‌های مربوط به مقیاس‌های مختلف پرسشنامه محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه، ۰/۸۵ بود. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به مقیاس‌های مختلف پرسشنامه نیز در جدول ذیل بیان شده است.

جدول (۱): مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌های پرسشنامه

نام شاخص	میانگین (M)	انحراف معیار (SD)	مقدار آلفا
خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی	۹/۱۴	۳/۰۸	۰/۹۳
کنش عقلایی (ارزیابی هزینه و منفعت)	۱۰/۰۳	۴/۰۷	۰/۹۷
مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۸/۷۷	۳/۰۴	۰/۹۰
همدلی اجتماعی	۹/۱۹	۳/۲۵	۰/۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر، به صورت آمار توصیفی (شامل توزیع فراوانی، درصد نسبی، تجمعی و میانگین) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سپس در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون چند متغیره و آزمون تحلیل مسیر استفاده گردید.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر، تأثیر چهار مفهوم و شاخص بنیانی، بر متغیر وابسته (تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی) مورد بررسی قرار گرفته است. چهار مفهوم مذکور، به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی، (۲) مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی، (۳) کنش عقلایی (ارزیابی هزینه و منفعت)، (۴) همدلی اجتماعی. برای ارزیابی و سنجش هر یک از مفاهیم مذکور، مقیاس‌هایی تدوین کرده‌ایم که در ذیل، گویه‌ها و ابعاد هر مقیاس بیان می‌شود.

خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی

یکی از عوامل مؤثر بر میزان تمایل مردم به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی، باورها، نگرش‌ها و تصور آنها درباره خود، جهان و حوادث است. اکثر افراد جامعه به دلایل مختلف، مانند حاکمیت قوی باورهای مذهبی، سواد کم و غیره، خود را در برابر رویدادهای عالم و به ویژه حوادث و بلایا، ناتوان و بی‌قدرت می‌بینند. این تصور بی‌قدرتی که ناشی از نگرش تقدیرگرایانه و جبرگرایانه حاکم بر آنهاست، سبب می‌شود تلاش خود را برای شناخت حوادث و ایستادگی در برابر آنها، ناموفق بدانند. نگرش مذکور، یکی از عوامل عدم آمادگی افراد در برابر حوادث و مشارکت اندک آنها در این زمینه است.

برای سنجش خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی، سه مقیاس احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان، حوادث و سوانح در سطح فردی تدوین شده است:

۱- **بی‌قدرتی و ناتوانی (در سطح فردی):** منظور این است که فرد خود را در مقایسه با سایر افراد و پدیده‌های اجتماعی، ناتوان و ضعیف، تصور می‌کند و برای تلاش و فعالیت خود، ارزش و تأثیری در زندگی اجتماعی قائل نیست. از این رو، یأس و ناامیدی بر او مستولی است. گویه‌های مؤید این موضوع، در پژوهش حاضر

در ذیل بیان شده است:

- کمک من و امثال من، نمی‌تواند برای دیگران مفید باشد.
- گاهی احساس می‌کنم زندگی‌ام در اختیار خودم نیست و تلاشم فایده‌ای ندارد.

- به نظر من، شانس و اقبال، زندگی آدم‌ها را تعیین می‌کند.
- من برای آینده‌ام، برنامه‌ریزی و حساب و کتاب دقیق دارم.

۲- **بی‌قدرتی در برابر جهان و وقایع عالم:** منظور این است که فرد، جهان را کاملاً فراتر از درک، کنترل، محاسبه و پیش‌بینی می‌داند و از این رو، خود را کاملاً مقهور و تابع فعالیت‌های آن تصور می‌کند. گویه‌ها و جمله‌های مؤید این مفهوم، در ذیل بیان می‌شود.

- به نظر من، دنیا آن قدر پیچیده است که اصلاً نمی‌توان آن را فهمید.
- اگر انسان برنامه‌ریزی داشته باشد، باز هم نمی‌تواند مانع ایجاد بسیاری از خسارت‌ها شود.

- آینده آنقدر نامطمئن و نامشخص است که کسی نمی‌تواند پیشاپیش برای آن برنامه‌ریزی کند.

۳- **بی‌قدرتی در برابر حوادث:** منظور این است که افراد حوادث را کاملاً بلا و مصیبت تصور می‌کنند نه یک پدیده. علاوه بر این، بروز حوادث را ناشی از خواست خداوند می‌دانند. به عبارت دیگر، افراد، حوادث را پاسخ و نتیجه اعمال بد و نادرست خود می‌پندارند و خداوند را عامل آن می‌دانند. گویه‌های مؤید این مقیاس در ذیل بیان شده است.

- مقدمه‌چینی و آمادگی برای مقابله با حوادث و بلاهای خدادادی، هیچ نتیجه و سودی ندارد.

- زلزله و سیل (بلا) در هر صورت اتفاق می‌افتد، نمی‌توان مانع ایجاد خسارت‌های آن شد.

- تقدیر و شانس انسان هر چه باشد، همان می‌شود، نمی‌شود با تقدیر مبارزه کرد.

- هر بلایی که برای بشر اتفاق می‌افتد، تاوان گناهان خودش است.

مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی

- برای ارزیابی میزان اعتقاد و باور مردم به تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، گویه‌های زیر تدوین شده‌اند:
- همه افراد جامعه وظیفه دارند به منظور کاهش خطرهای سوانح طبیعی در جامعه کمک کنند.
 - من همکاری و کمک به منظور کاهش خطرهای سوانح طبیعی را وظیفه خود می‌دانم.
 - در حوادث و اتفاقات بزرگ، اگر مردم کمک نکنند، نهادهای دولتی به تنهایی نمی‌توانند از عهده کار برآیند.
 - برنامه‌ریزی برای کاهش خطرهای سوانح طبیعی، وظیفه مسئولان است نه من.
 - برنامه‌ریزی برای کاهش خطرهای سوانح طبیعی، وظیفه عمومی است، نه وظیفه یک نهاد و ستاد خاص.
 - هر کس به توصیه نهادهای دولتی مسئول برنامه‌ریزی برای کاهش خطرهای سوانح طبیعی توجه کند، انسانی وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر است.

مقیاس کنش عقلایی (ارزیابی هزینه و منفعت)

- در ارزیابی عقلانیت حاکم بر رفتار افراد، تصور آنها درباره پیامدهای کنش مورد پرسش قرار گرفته است:
- هر کس توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول حوادث را مورد توجه قرار دهد، ضرر نمی‌کند.
 - توجه و عمل به توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول حوادث، به حوصله و وقت کافی نیاز دارد و من برای این کار، حوصله و وقت ندارم.
 - هر کس بخواهد دقیقاً به توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول حوادث عمل کند، دچار دردسر و گرفتاری‌های مختلف می‌شود.
 - همکاری و مشارکت ما با سازمان‌های دولتی مسئول حوادث و بلایای طبیعی و غیرطبیعی، باعث می‌شود مسایل و مشکلات شهرمان حل شود.

مقیاس همدلی اجتماعی

منظور از همدلی در معنای جامعه‌شناختی آن، توانایی تصور خود در نقش دیگران است. همدلی به معنای درک و فهم شرایط دیگران است. در اینجا منظور ما از همدلی اجتماعی، آمادگی برای درک مشکل دیگران و مشارکت در فعالیت‌ها است. گویه‌های منفی مؤید مفهوم فوق، در ذیل بیان شده است:

- هر کس باید گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و به همسایه کاری نداشته باشد.
- هر فردی مسئول زندگی و کار خودش است، نه مسئول کار و مشکلات دیگران.
- اینکه مردم در مکان‌هایی جمع شوند و درباره مشکلات گفتگو کنند، دردی را دوا نمی‌کند.
- کار جمعی و گروهی، کمتر به نتیجه می‌رسد و به گرفتاری‌های آن نمی‌ارزد.
- در این دوره زمانه هر کس باید فقط به خودش برسد و به دیگران کاری نداشته باشد.

پایگاه اجتماعی- اقتصادی نیز شاخصی مرکب است و میزان درآمد، تحصیلات، وضعیت شغلی و نوع مسکن فرد را شامل می‌شود و میزان دسترسی فرد را به منابع قدرت نشان می‌دهد. به لحاظ عملیاتی، برای سنجش و تعیین موقعیت اجتماعی- اقتصادی فرد، از شاخص‌ها و معرف‌های زیر استفاده می‌شود:

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، رابطه وجود دارد.
- ۳- بین کنش عقلایی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و تمایل به مشارکت وی در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، رابطه وجود دارد.
- ۴- بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و تمایل به مشارکت وی در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، رابطه وجود دارد.

۵- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد و تمایل به مشارکت وی در کاهش خطرهای سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.

چارچوب نظری

از اواخر دهه ۱۹۵۰، به دنبال پیدایش مشکلات اساسی در طرح‌های توسعه، مطرح شدن مفهوم "مشارکت" و "توسعه مشارکتی"، موجب گردید که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به ارزیابی مجدد و بازنگری این قبیل برنامه‌ها بپردازند. شکست برنامه‌های توسعه در تحقق اهداف خود، این تصور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، زمینه را برای ناکامی آنها فراهم کرده است. در واکنش به ناکامی برنامه‌های توسعه، مفهوم "مشارکت" به صورت جدید مورد توجه قرار گرفت و فرایندهای تقویت‌کننده مشارکت مردم، از عوامل مؤثر در تحقق توسعه ذکر شد. کاهش هزینه‌ها، پذیرش برنامه‌ها در بین مردم، استفاده از منابع بیشتر برای اجرای برنامه‌ها و کنترل اجتماعی- سیاسی حاصل از مشارکت، از مزایای آن بود. در نتیجه کسب این قبیل منافع، تلاش می‌شد تا تصمیم‌گیرندگان و مقامات دولتی و اداری، این پدیده را مورد توجه قرار دهند. تدابیر متنوعی به منظور جذب مشارکت مردم در سطوح مختلف طراحی گردید. اما آنچه بعد از مدتی مورد توجه سیاست‌گزاران و کارگزاران برنامه‌های توسعه قرار گرفت، میزان اندک مشارکت در طرح‌های مذکور بود (اوکلی، ۱۳۸۰: ۵۴).

به همین دلیل، این پرسش مطرح شد که «چرا مردم یا گروه‌های هدف، به مشارکت در طرح‌های مربوط به خود تمایل ندارند؟ به تعبیر دقیق‌تر، چه عواملی بر میزان مشارکت مردم مؤثر است و چگونه می‌توان از طریق تغییر متغیرهای مربوط، میزان مشارکت را افزایش داد؟

پاسخ به این پرسش را در سه رویکرد می‌توان جستجو کرد:

الف) رویکرد روانشناختی: در این رویکرد، بر عواملی نظیر انگیزه‌ها، سائقه‌ها (فرست، مک‌کله‌لند)، نظریه شخصیت هیگن، بیگانگی، بی‌قدرتی اجتماعی و فرهنگ (راجرز) و به طور کلی، نیروهای درونی افراد تأکید می‌شود. صاحب‌نظران این رویکرد، در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت، عوامل انگیزشی و مشوق‌های درونی و زمینه‌های روانی و تربیتی را عامل خلاقیت و مشارکت افراد می‌دانند.

اعتماد به نفس، استعدادها، انگیزه‌های پیشرفت و خلاقیت، نوع نگاه به دنیا و محیط پیرامون و شخصیت، مهمترین متغیرهای این رویکرد هستند (فینکل^۱، ۱۹۹۹: ۳۶).

ب) رویکرد رفتاری (روانشناسی اجتماعی): در این رویکرد نیز عوامل مؤثر بر مشارکت، در فرد و روابط اجتماعی آن جستجو می‌شود. در این رویکرد، بین نیت‌های فرد (درون) و محیط (شرایط) رابطه‌ای معقول برقرار می‌شود. از این رو، صاحب‌نظران رویکرد مذکور، به عقلایی و مدلل بودن کنش فرد معتقد هستند. عوامل مورد نظر در این رویکرد عبارت‌اند از: ۱) قصدها و نیت فرد، ۲- تفسیر فرد از شرایط، ۳- سابقه عمل در گذشته، ۴- هزینه‌ها و منافع انجام کنش (تنبیه- پاداش). بنابراین، برای تبدیل یک نیت مشارکتی به عمل مشارکتی محاسبه و عقلانیت فرد نیز مورد توجه است (گرینبرگ^۲، ۲۰۰۱: ۶۶).

ج) رویکرد نهادین (جامعه‌شناختی): در این رویکرد، عمدتاً به روابط اجتماعی کلان و ساخت‌ها توجه می‌شود و عوامل مؤثر بر مشارکت، در فراگردهای اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، افزایش میزان سود، طبقه اجتماعی و غیره جستجو می‌شود (جنینگز^۳، ۲۰۰۰: ۷۷).

در حقیقت، در فرایند مشارکت، سه دسته عوامل مذکور، همگام با یکدیگر عمل می‌کنند. فرایند مشارکت مردمی، حاصل تعامل مثبت و هماهنگ سه دسته عوامل فوق است. بنابراین، با توجه به مباحث مذکور، مهمترین پیش‌نیازهای مشارکت مردم در سوانح طبیعی، در ذیل بیان می‌شود (هاریسون^۴ و چمبرز، ۲۰۰۱: ۳۵). قبل از آنکه انجام فعالیتی در زمینه جذب مشارکت مردم ضرورت یابد، ظرفیت مشارکت به طور بالقوه فراهم است. از این رو، زمینه‌های افزایش مشارکت، قبل از اقدام وجود دارد و فقط به راهکارهایی برای بارور کردن آن نیاز است.

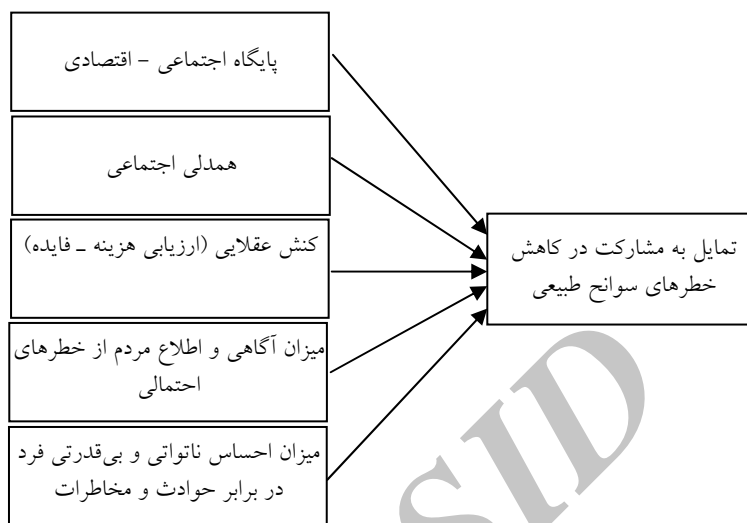
- فواید احتمالی مشارکت، باید بیشتر از هزینه‌های آن باشد.
- نحوه و چگونگی مشارکت مردم، باید مشخص و مورد علاقه افراد باشد. در غیر این صورت، آنها مشارکت را جبری خواهند دانست یا از سر اضطرار به آن می‌پردازند. به هر حال، پایداری مشارکت، با علاقه فرد پیوند دارد.
- مهارت‌ها و توانایی‌های لازم در زمینه چگونگی مشارکت، باید به مردم آموزش داده شود تا بتوانند به طور مؤثر مشارکت کنند.

1. Finkel
2. Greenberg
3. Jennings
4. Harrison

• مردم و مسئولان نباید احساس کنند که مشارکت، جایگاه و موقعیت آنها را تهدید خواهد کرد. مشارکت مردم در مدیریت شهری و تصمیم‌گیری، مستلزم وجود مدیریت "مشارکت‌جو" است. در واقع، مشارکت هنگامی معنا دارد که فرد از حق انتخاب و آزادی اختیار برخوردار باشد.

غلامرضا غفاری در پژوهشی با ارجاع به نظریه‌های مختلف درباره مشارکت، مهمترین عوامل مؤثر بر مشارکت را در آثار پژوهشگران استخراج کرده است (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۲۰). هر چند که باید درباره نوع تأثیر این عوامل بر مشارکت، به بررسی و تأمل بیشتری پرداخت، اما اگر بخواهیم همه عوامل مذکور را در مدلی ارائه کنیم، به دلیل نظری بودن و دشواری آزمون‌پذیری عوامل، با محدودیت مواجه هستیم. در هر صورت، برای بکارگیری و آزمون این مفروض‌ها، عوامل نظری، باید در الگویی عملیاتی ارائه شوند. بر این اساس، به طور کلی می‌توان، کنش اجتماعی مشارکت مردم را در سوانح طبیعی، واجد عناصر زیر دانست:

- ۱- میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره جنبه‌های کنش خود؛
- ۲- تصور از ارزیابی و قضاوت دیگران درباره کنش خود؛
- ۳- انگیزه‌ها و علایق فرد برای کنش و پاسخ به انتظارات اجتماعی؛
- ۴- ارجاع به رفتارهای گذشته (سوابق انجام کنش)؛
- ۵- ارزیابی نتایج کنش (هزینه‌ها- پاداش‌های آن)؛
- ۶- محیط و امکان انجام کنش (ابزار، وسایل، وضعیت نهادی، قانونی)؛
- ۷- توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد شخص



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

در مدل فوق، میزان آگاهی و اطلاع مردم درباره خطرهای احتمالی یا میزان آگاهی و دانش فرد درباره مشارکت برای کاهش خطرهای سوانح طبیعی، اهمیت دارد. این دانش، فرد را به معنای عملش واقف می‌کند. با این دانش، فرد عمل خود را دخالت در تعیین سرنوشت خود، جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی می‌داند. بنابراین، اولین شرط گرایش به مشارکت، آگاهی فرد درباره این واقعیت است که مشارکت در سوانح طبیعی چیست؟ و در چه زمینه‌هایی می‌تواند انجام شود؟

دومین عنصر مشارکت مردمی در سوانح طبیعی، کنش عقلایی (ارزیابی هزینه - فایده) یا تصور فرد از پیامدهای مشارکت است. فردی که می‌داند معنا و عمل مشارکت چیست، باید به تفکر در این زمینه نیز بپردازد که با مشارکت، چه چیز حاصل می‌گردد؟ برخی پیامد اصلی مشارکت را امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌دانند و در واقع، آن را ابزاری مناسب برای دفاع از خویش می‌دانند. به اعتقاد برخی دیگر، مشارکت تنها وسیله تأمین منافع مادی و دفاع از حقوق فرد نیست، بلکه با آن، می‌توان استعدادهای بالقوه خویش را بالفعل کرد. به اعتقاد این گروه، آنچه انسان‌ها را از حیوانات متمایز

می‌کند، کنش و سخن گفتن در جمع است و با کنش در کنار دیگران و سخن گفتن در حضور دیگران است که انسان، هویت متمایز خود را آشکار می‌کند. در واقع، بر اساس این دیدگاه، مشارکت ابزار نیست، بلکه هدف است.

فقط گرایش‌ها و نگرش‌های فردی، زمینه مساعد درونی را برای مشارکت پدید نمی‌آورد، بلکه میزان احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد در برابر حوادث و هنجارهای اجتماعی نیز در این زمینه تأثیر مهمی دارند. این تصور و نیز قضاوت شخص درباره آن را باید ذیل عنوان دیگر مورد بررسی قرار داد. از این رو، می‌توان دو سازه مهم دیگر را در این زمینه، تصور فرد از قضاوت دیگران درباره مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقع‌های دیگران دانست. در سازه نخست، قضاوت دیگران (البته از نظر فرد) و در سازه دوم، میزان تبعیت فرد از این قضاوت‌ها مطرح است.

عامل مؤثر دیگری که می‌تواند مانع یا تسهیل‌کننده ایجاد انگیزه برای مشارکت در سوانح طبیعی باشد، همدلی اجتماعی است. مشاهدات تأیید می‌کنند که افراد دارای سابقه و تجربه فعالیت مشارکتی، معمولاً برای تکرار آن فعالیت، از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار هستند. در واقع، امکان مشارکت مردمی در سوانح طبیعی، دو جنبه متفاوت را شامل می‌شود. اولاً، امکان مشارکت به نظام قانونی و نهادی جامعه باز می‌گردد. قوانین یک جامعه، چهارچوب‌های قابل قبول و رسمیت‌یافته کنش‌های اجتماعی را مشخص می‌کنند و حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را نیز تعیین می‌کنند. نهادها (نهادهای رسمی و غیررسمی) پاسخ‌های نسبتاً پایدار هستند که از طرف مردم یک جامعه به مشکلات نسبتاً پایدار (پرسش‌های پایدار) داده شده است.

عامل دیگری که منبع بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای فرد در جامعه است، پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد است که نوع و میزان مشارکت وی را در کاهش خطرهای سوانح طبیعی تعیین می‌کند.

نتایج و یافته‌ها

در این بخش، نتایج آزمون پنج فرضیه اصلی پژوهش حاضر، بیان شده است. در ادامه، نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به تفکیک بیان شده است.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (P)
میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره احتمال وقوع حادثه و تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۰/۴۹	۰/۰۱
میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۰/۵۱	۰/۰۵
کنش عقلایی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۰/۵۲	۰/۰۵
احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۰/۶۲	۰/۰۱
پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تمایل به مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	۰/۶۸	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) در خصوص رابطه بین میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره احتمال وقوع حادثه و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد می‌توان گفت که رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر میزان آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی وجود دارد. در عین حال، ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) در خصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد نشان می‌دهد که رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی وجود دارد.

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۲) در خصوص رابطه بین کنش عقلایی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، رابطه آماری معنی‌داری را بین دو متغیر کنش عقلایی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و تمایل به

مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، نشان می‌دهد. در ضمن، نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۲) در خصوص رابطه بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد نشان می‌دهد که رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی وجود دارد.

همچنین ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۸) در خصوص رابطه بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، رابطه آماری معنی‌داری را بین دو متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی نشان می‌دهد.

در پژوهش حاضر، به منظور پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی توسط متغیرهای مستقل مورد نظر، از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

بر اساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد (با ضریب تأثیر ۰/۳۵)، پایگاه اجتماعی- اقتصادی (با ضریب تأثیر ۰/۲۰)، کنش عقلایی (با ضریب تأثیر ۰/۱۶)، میزان آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه (با ضریب تأثیر ۰/۱۱) و احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان (با ضریب تأثیر ۰/۱۲-) به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی داشته‌اند.

جدول (۳): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۱	$y =$ تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی	-	-	-	-	-
۲	Constant = عدد ثابت	۲۱/۵۲۷	۰/۷۶۴		۲۸/۱۸۶	۰/۰۰۰
۳	$x_1 =$ میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره احتمال وقوع حادثه	۲۰۷	۰/۰۷۱	۰/۱۱	۲/۹۲۶	۰/۰۰۱
۴	$x_3 =$ پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۰/۱۱	۰/۰۲۹	۰/۲۰	۳/۷۸۸	۰/۰۰۱

ادامه جدول (۳): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۵	$x_4 =$ احساس ناتوانی و بی قدرتی در برابر جهان	- ۰/۰۵۹	۰/۰۲۹	-۰/۱۲	-۲/۰۴۸	۰/۰۵
۶	$x_6 =$ کنش عقلایی	۰/۱۸۸	۰/۰۴۷	۰/۱۶	۳/۹۸۸	۰/۰۱
۷	$x_7 =$ همدلی اجتماعی	۰/۲۹۲	۰/۰۲۲	۰/۳۵	۱۳/۰۰۳	۰/۰۱
		$F=۳۵/۸۵۵$	$R^2=۰/۶۹$	$R=۰/۷۶$	$P<۰/۰۰۰$	

منبع: یافته های پژوهش

متغیر وابسته $y=$

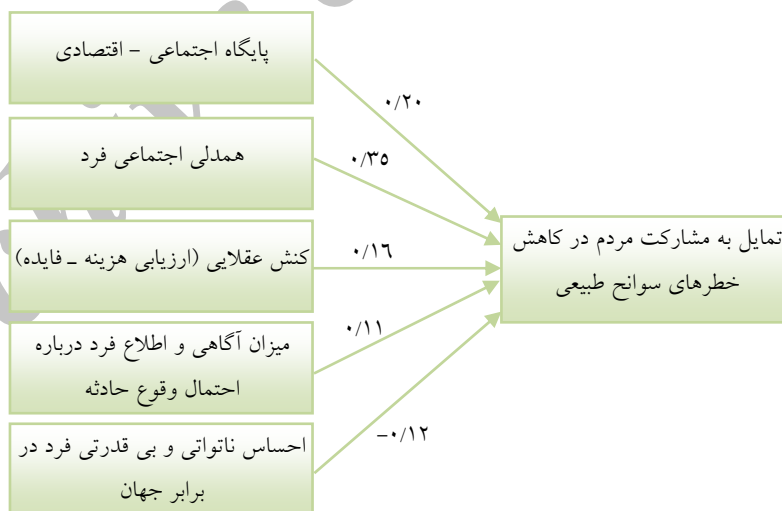
$B=$ ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده

$Beta =$ ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده

$SEB =$ ضریب اشتباه برآورد

$t=$ تأثیر بین حضور هر متغیر مستقل در مدل

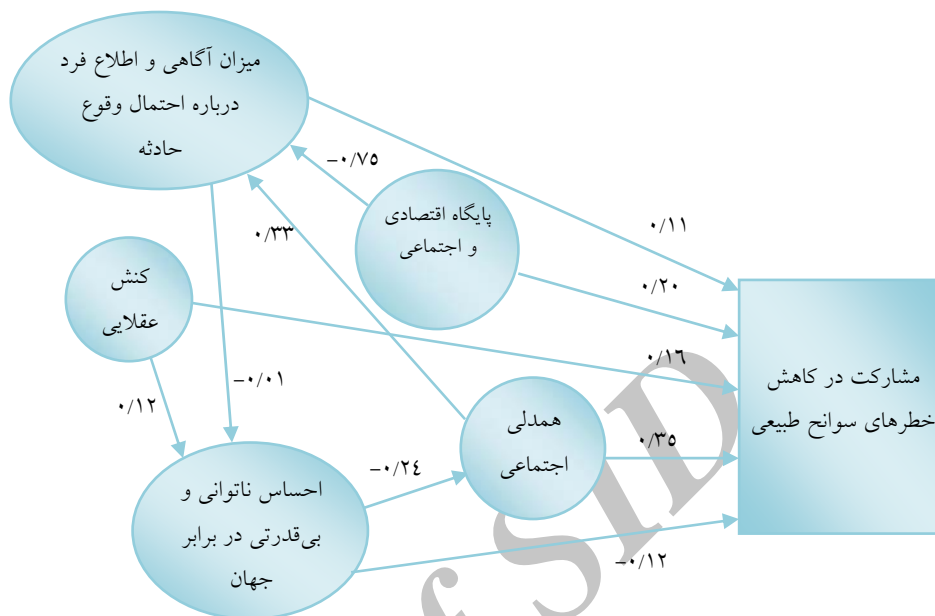
$p=$ سطح معنی داری تأثیر نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل



شکل (۲): مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی

بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه یا $R(0/76)$ ، همبستگی آماری قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R^2 نیز که $0/69$ است، نشان می‌دهد که مجموعه متغیرهای مستقل، $0/69$ درصد از تغییرات متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی را تبیین می‌کند. مقدار آزمون $F(35/85)$ نیز بیانگر قابلیت زیاد و مناسب مدل و تبیین تغییرات متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، توسط مجموعه متغیرهای مستقل است.

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج نشان داد که مجموعه متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد (با $0/35$ ضریب تأثیر مستقیم و $0/33$ ضریب تأثیر غیرمستقیم)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (با $0/20$ ضریب تأثیر مستقیم و $0/75$ - ضریب تأثیر غیرمستقیم)، کنش عقلایی (با $0/16$ ضریب تأثیر مستقیم و $0/12$ ضریب تأثیر غیرمستقیم)، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان (با $0/12$ - ضریب تأثیر مستقیم و $0/24$ ضریب تأثیر غیرمستقیم) و میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره احتمال وقوع حادثه (با $0/11$ ضریب تأثیر مستقیم و $0/01$ ضریب تأثیر غیرمستقیم)، تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. بنابراین، مجموع متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد، ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر حوادث، کنش عقلایی، ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان و میزان احتمال وقوع حوادث، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی تأثیر گذاشته‌اند.



شکل (۳): تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی

در عین حال، مجموعه متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۰/۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند و بقیه تغییرات آن (۰/۳۱) تحت تأثیر مجموعه متغیرها و عواملی است که در مدل نیامده و در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت مشارکت مردمی در فرایند توسعه و آگاهی درباره اینکه مشارکت، نوعی کنش متقابل است که بنیان زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد، این ایده مطرح می‌شود که زندگی اجتماعی بر بنیان مشارکت شکل گرفته و اجتماع جامعه انسانی، عاری از مشارکت نیست. مشارکت در شکل سنتی خود، وضعیتی طبیعی دارد و میزان خودانگیختگی آن، فراوان است و ناشی از نیازهای اجتماعی، اقتصادی و روانی است، ولی در شکل جدید، وضعیتی قراردادی دارد و میزان خودانگیختگی آن تا حدودی کاهش یافته است. ولی همچنان در گرو رفع نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانی در سطحی پیچیده‌تر، و به دلیل

پویایی نیازها است. از این رو، تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی نیز از جمله مسائلی است که در افکار سنتی مردم ریشه دارد و به بررسی و کندوکاو در این زمینه بسیار نیاز است. زیرا در مواقع بحرانی، این گونه مشارکت‌های مردمی، بسیار ارزشمند هستند و بسیاری از مسایل را حل می‌کنند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذیل بیان می‌شود:

۱- با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و با استناد به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) در خصوص رابطه بین میزان آگاهی و اطلاع فرد درباره احتمال وقوع حادثه و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم، مستلزم آگاهی از احتمال وقوع حادثه است و با توجه به اهمیت موضوع، کسب اطلاعات قبل از زلزله، بسیار مهم است. از این رو، باید به موضوع آموزش، بسیار اهمیت داده شود. آموزش همگانی، باعث می‌شود که مردم در مقابل سوانح، به ویژه زلزله، به عنوان بازوان اجرایی مدیران بحران عمل کنند. آموزش‌های همگانی می‌توانند در همه سطوح جامعه و نیز در همه مراحل مدیریت بحران، شامل آمادگی، کاهش خطر، مقابله و بازسازی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین برای مقابله با خطر سوانح، به ویژه زلزله و کاهش خسارت‌های ناخوشایند آن، می‌توان به ارتقای میزان آمادگی، شناخت و ادراک صحیح مردم از سوانح به ویژه زلزله، آموزش راهکارها و روش‌های ایمنی در مقابل خطرهای سوانح، به ویژه زلزله به افراد جامعه پرداخت. از آنجایی که آموزش یکی از مهم‌ترین راه‌های جذب مشارکت مردم در برنامه‌های کاهش خطر سوانح محسوب می‌شود و فرایند ارتباط انسانی نیز متنوع و متغیر است، باید در آموزش سوانح، به ویژه زلزله، از ابزارهای مختلفی در شهرستان اسلام‌شهر استفاده گردد که نمونه‌هایی از آن در ذیل بیان می‌شود.

- برگزاری دوره‌های آموزشی در مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌های موجود در اسلام‌شهر؛

- برگزاری دوره‌های آموزش عمومی سوانح به ویژه زلزله، برای کارکنان مشاغل مختلف و واحدهای صنعتی موجود در اسلام‌شهر و اجباری کردن آن از طریق ادارات محلی و شهرداری‌های مناطق مختلف اسلام‌شهر؛

- بازدید از مراکز بحران، بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، پایگاه‌های پلیس و ایستگاه‌های آتش‌نشانی موجود در مناطق مختلف و ارائه مطالب آموزشی مورد نیاز برای اقشار مختلف جامعه در شهر اسلامشهر؛

- برگزاری دوره‌های آموزشی عملیات پیشگیرانه و امداد نجات برای مردم هر منطقه در مساجد محل یا فرهنگسراهای موجود در اسلامشهر؛

- برگزاری کارگاه آموزشی، دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، سمینارها، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و ارائه مطالب مورد نیاز و مرتبط برای مردم در خانه‌های سلامت شهر اسلامشهر؛

- مشارکت همه سازمان‌ها در آموزش سوانح، به ویژه سازمان‌های غیردولتی و تجهیز محله و ارائه مطالب آموزشی در سازمان‌های غیردولتی و ترغیب آنها به انتقال مطالب آموزشی به سایر گروه‌های مرتبط با آنها در اسلامشهر؛

- آموزش گروه‌های مختلف محلی، مانند پزشک محله و مدیریت بحران محله برای جذب مشارکت گروه‌های محلی در کاهش خسارات سوانح به ویژه زلزله و ایجاد جامعه‌ای برگشت‌پذیر در مقابل سوانح به ویژه زلزله؛

- آموزش از طریق مطبوعات و نشریه‌های محلی، اعلامیه‌های رسمی، پوسترهای آموزشی و تابلوهای تبلیغاتی به منظور ارائه پیام‌های آموزشی و تبلیغاتی در اسلامشهر.

۲- با استناد به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) در خصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، می‌توان اذعان کرد که ایجاد گروه‌های سازمان‌یافته و متشکل در قالب سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های کوچک محلی، بسیج و سازمان‌های خیریه می‌تواند موجب افزایش همدلی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی‌باشد. مسلم است که حضور گروه‌های مردمی در برنامه‌های آموزشی مرتبط با سوانح به ویژه زلزله و حتی فراتر از آن و استفاده از گروه‌های مذکور در همه مراحل چهارگانه آمادگی، پیشگیری و کاهش خطر، واکنش به موقع و بازسازی، می‌تواند تأثیر مهمی در کاهش خطرهای سوانح به ویژه زلزله داشته باشد. همچنین مردم می‌توانند با مشارکت در اجرای برنامه‌ها، اعم از تأمین بخشی از منابع مالی، اجرای برنامه‌های

کاهش خطرهای سوانح، مانند آموزش تخصصی و عمومی، امداد و نجات، اجرای مانورهای سوانح به ویژه زلزله، در پژوهش نیز مشارکت کنند. برنامه‌های کاهش خطرهای سوانح به ویژه زلزله، نیاز به مثلث پایدار دولت، مردم و گروه‌های سازمان‌یافته غیردولتی دارد که در صورت حذف یا نادیده گرفتن هر یک از ارکان مذکور، برنامه‌های اجرایی، موفق نخواهند شد.

۳- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۲) در خصوص رابطه بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فردی و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد می‌توان گفت که تشکیل گروه‌هایی با عنوان مدیریت بحران محله به منظور رشد انگیزه و توانایی‌های مردم برای رفع ویژگی بی‌قدرتی فردی ضروری است. اخیراً گروه‌هایی نیز با عنوان گروه مدیریت بحران محله با نام دوام (داوطلبان واکنش اضطراری محله)، برای انجام فعالیت‌های امداد و نجات، در شهر تهران تشکیل شده‌اند. اعضای گروه‌های مذکور، به طور داوطلبانه، آموزش‌های پایه لازم را در زمینه مدیریت بحران، به ویژه در موارد آمادگی و مقابله (مانند نحوه خاموش کردن آتش، جستجو و نجات مجروحان و ارایه کمک‌های اولیه) دریافت می‌کنند و در زمان وقوع بحران، قبل از رسیدن گروه‌های امداد و نجات یا در کنار گروه‌های اصلی امداد و نجات، در محلات فعالیت می‌کنند. در حالی که در اسلام‌شهر، در محله‌ها چنین گروه‌هایی وجود ندارند.

۴- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۲) در خصوص رابطه بین کنش عقلایی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، و وجود رابطه بین مشارکت مردم در کاهش خطرهای سوانح طبیعی و کنش عقلایی یا همان موضوع هزینه فایده، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم، باید برای آنها منفعتی داشته باشد. از این رو، باید درباره خسارت‌های مالی و جانی که در اثر وقوع سوانح طبیعی، در شهرستان اسلام‌شهر ایجاد می‌گردد، توضیح داده شود.

۵- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) در خصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و تمایل به مشارکت در کاهش خطرهای سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، و وجود رابطه بین

مشارکت مردم در کاهش خطرهای سوانح طبیعی و میزان همدلی اجتماعی، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم در امداد حوادث غیرمترقبه، مستلزم وجود همدلی اجتماعی در فرد مشارکت‌کننده است. از این رو، از تدابیری مانند تهیه انیمیشن‌های آموزشی در زمینه سوانح طبیعی به ویژه زلزله، برگزاری نمایشگاه عکس سوانح، به منظور آموزش کودکان در همه مهدکودک‌ها و اجرای برنامه‌های فوق برنامه در مدارس ابتدایی، راهنمایی و فرهنگسراهای موجود در مناطق مختلف شهرستان اسلام‌شهر استفاده گردد. زیرا تأثیر آن بسیار بیشتر از ساعت‌ها آموزش مستقیم است.

۶- در عین حال، با توجه به نتایج توصیفی پژوهش، استفاده از ظرفیت مساجد و شناسایی توان آموزشی روحانیون برای آموزش عمومی در زمینه سوانح طبیعی مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر، این کار در شهرستان اسلام‌شهر انجام نمی‌شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که روحانیون شهرستان اسلام‌شهر، در دوره‌های آموزشی مربوط به بحران و سوانح شرکت کنند و پس از آشنایی با موضوع، در مساجد درباره آن صحبت کنند.

۷- اعلام فراخوان‌های عمومی به منظور دعوت به عضویت در جمعیت هلال احمر شهرستان اسلام‌شهر و شناسایی و اعلام فراخوان‌های اختصاصی برای دعوت به عضویت اقشار خاص مانند خانواده‌های معظم شهدا، نخبگان علمی، ملی و شهرستانی، جامعه پزشکی، فرهنگیان، ورزشکاران، هنرمندان و سایر شخصیت‌های مهم اسلام‌شهر در جمعیت هلال احمر و برنامه‌های امدادی آن.

منابع

الف) فارسی

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: نشر اطلاعات.
اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۸۰). رهیافت‌های مشارکتی در توسعه روستایی. ترجمه منصور محمود نجات حسینی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی.
زاهدی اصل، محمد (۱۳۷۹). بررسی چگونگی مشارکت خانوارهای زلزله‌زده در بازسازی

مناطق آسیب‌دیده. فصلنامه علوم/اجتماعی، فصلنامه شماره ۱۱.
ظفری، حسین (۱۳۸۶). بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرشی ویژه بر مشارکت مردم، مطالعه موردی بم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
غفاری، غلامرضا (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
ویسی، رضا و امرالله کشاورز (۱۳۸۵). درس‌هایی از مشارکت مردم در بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری مناطق زلزله‌زده استان لرستان. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه. تهران.

(ب) انگلیسی

- Finkel, S. E. (1999). Reciprocal Effects of Participation and Political Efficacy: A Panel Analysis. *American Journal of Political Science*. 29(4).
- Greenberg, J. R. Folger. (2003). *Procedural Justice, Participation, and the Fair Process Effect*.
- Harrison & chambers. (2001). *Preliminary Comment on Public Participation in the Context of the Water Framework Directive and Integrated River Basin Management Policy*. Manchester University Press.
- Jennings, R. (2000). *Participatory development as new paradigm*. the transition of development professionalism. Community based reintegration and rehabilitation in post-conflict setting conference. Washington.
- Midgley, j. et. al. (2000). *Community Participation Social Development and the State*. London.